



لزوم رستاخیز از نظر قرآن / ضرورت تحلی صفات جلال و جمال الهی

قرآن در اثبات رستاخیز، اندیشه آدمی را در چارچوب اصطلاحات فلسفی و برهان دقیق، دور و تسلسل، گرفتار نمی سازد، بلکه با توجه دادن انسانها به خودشناسی و پدیده های طبیعت، رستاخیز را مانند یک حادثه طبیعی به اثبات می رساند.

قرآن در اثبات رستاخیز، اندیشه آدمی را در چارچوب اصطلاحات فلسفی و برهان دقیق، دور و تسلسل، گرفتار نمی سازد، بلکه با توجه دادن انسانها به خودشناسی و پدیده های طبیعت، رستاخیز را مانند یک حادثه طبیعی به اثبات می رساند.

به گزارش خبرگزاری مهر، بسیاری از دلایل و برهان هایی که برای اثبات معاد بیان شده از آیات قرآن کریم اخذ شده است. برای آشنایی با شیوه استدلال قرآن در این موضوع به چند آیه اشاره می کنیم.

یادآوری این نکته لازم است که اصولاً قرآن مجید در اثبات رستاخیز، اندیشه آدمی را در چارچوب اصطلاحات فلسفی و برهان دقیق، دور و تسلسل، گرفتار نمی سازد، بلکه با توجه دادن انسانها به خودشناسی و پدیده های طبیعت، رستاخیز را مانند یک حادثه طبیعی به اثبات می رساند. زمانی از طریق لزوم مجازات و پاداش و تفاوت میان خوبان و بدکران قیامت را ضروری می داند، و گاه از راه قانون تکامل آن را اثبات می کند.

روش استدلال های قرآن، در زمینه توحید و معاد بر این پایه استوار است. وجدان های پاک و اندیشه های حق جو به خوبی حقیقت را در می یابند، زیرا قرآن همان مکونات فطری و ذاتی انسانها را با شیوه های شیرین و عباراتی دلپذیر و روشی جذاب بازگو می کند. ضمناً نباید از نظر دور داشت ما فعلاً در مقام اثبات معاد می باشیم، نه چگونگی آن، از این رو از ذکرآیاتی که در صدد بیان چگونگی معاد است خودداری می کنیم.

اکنون چند نمونه ازآیاتی که معاد را اثبات می کند و استدلال های عقلی قرآن را بیان می دارد می آوریم. به طور کلی آیاتی که لزوم قیامت را بیان می کند، از چند طریق ضرورت رستاخیز را روشن می سازد؛

الف) ابدیت، مقصد نهایی آفرینش است

یک دسته از آیات معاد را هدف نهایی آفرینش و آخرین مرحله تکامل عمومی می داند. طبق این آیات فرا رسیدن قیامت در نظام کلی عالم امری طبیعی است همچنانکه تاریکی روشنائی می آورد و ستمگری عدالت می زداید و زمستان بهار به وجود می آورد، دنیا هم آخرت را به دنبال دارد، و از پس امروز فردایی است. کسی که چشم بسته این حقیقت روشن را انکار کند باید نظام آفرینش و حرکت عمومی جهان را نادیده بگیرد و بر قانون قطعی تکامل خط بطلان بکشد، زیرا از دید علم و عقل نمی توان قانون تکامل را در تمام آفرینش از ذرات خاك گرفته تا کهکشان ها و حتی در جوهر ذات آنها جاری بدانیم، ولی از سوی دیگر نتیجه این تکامل شگفت انگیز را فنا و نیستی بپنداریم.

پذیرش قانون تکامل، با اعتقاد به فنا و نیستی، در تضاد است و ممکن نیست با هم جمع شوند. بر اساس منطق قرآن، این حقیقت با بررسی نظام آفرینش و حرکت عمومی اجزای عالم استنباط می گردد، زیرا در حرکت تکاملی، هر موجودی از مراحل پایین شروع به حرکت می کند و پس از دستیابی به کمال مطلوب توقف می کند، سپس ممکن است یک حرکت تکاملی دیگر را آغاز کند. اینک با راهنمایی های قرآن آشنا می شویم؛ و لله ما فی السموات و ما فی الارض و الی الله ترجع الامور؛ آنچه درآسمانها و زمین است، ازآن خداست و بازگشت همه چیز به سوی اوست. (سوره آل عمران، آیه 109)

کاروان هستی در سیر تکامل خود ناگزیر باید به یک کمال مطلق منتهی شود ذرات عالم همه در جستجوی هستی مطلق و قدرت نامتناهی است. إنا لله و إنا الیه راجعون؛ سرچشمه هستی ما از خداست و بازگشت ما به سوی حق است. (آیه مبارکه 156 سوره بقره)

ب) لزوم معاد از نظر فلسفه آفرینش

بررسی دقت و عظمت به کار رفته در جهان آفرینش این حقیقت را به اثبات می رساند که آفرینش هدف بزرگی دارد، زیرا در جهان پهناوری که ساخته شده و موجودات بسیاری درآن پراکنده گردیده و انسان ممتازترین موجودات قرار داده شده است اگر خرابی جهان

و مرگ آدم، توقف کاروان هستی به شمار آید، بی شک کاخ مجلل وجود و اساس خلقت بر پایه پوچ استوار خواهد بود، ولی نظام حکیمانه هستی این را طرد می کند. قرآن مجید به صورت های گوناگون از این حقیقت یاد می کند. و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق و ان الساعة لآتیه. (آیه مبارکه 85 سوره حجر)

(ج) لزوم معاد از دیدگاه عدالت خدا

در مقابل دعوت پیامبران، مردم به دو گروه تقسیم می شوند؛ یک دسته رسالت آنها را می پذیرند و از نظر عملی و عقیده در برابر مقررات الهی تسلیم می گردند؛ گروه دیگر در جهت مخالفت قرار گرفته و به تعالیم آنها اعتنا نمی کنند. به طور کلی برخی از مردم خدمتگزار و نیکوکارند و گروهی بدکار و متجاوز؛ اگر با مرگ زندگی بشر پایان پذیرد برخلاف عدالت است و به بسیاری از نیکوکاران ستم خواهد شد و منکران مکاتب مذهبی و تبهکاران خوشبخت خواهند بود. این اندیشه با عدالت الهی سازگار نیست.

قرآن مجید در آیه مبارکه 28 سوره ص می فرماید: آیا ما کسانی را که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده اند مانند مفسدان قرار می دهیم؟ آیا ما تقواییشان را همچون فاسدان و جنایتکاران به شمار می آوریم؟ قطعاً چنین امری امکان ندارد، زیرا ممکن نیست نیکوکار و بدکار به یک سرنوشت باشد. تساوی بدکاران و صالحان ظلم است و اگر قیامتی در کار نباشد میان مصلح و مفسد تفاوتی نخواهد بود.

(ج) ضرورت تجلی صفات جلال و جمال الهی

از دلایلی که ضرورت حیات واپسین را اثبات می کند تجلی حاکمیت، مالکیت علم و قدرت مطلق باری تعالی برای بشریت و نیز تحقق وعده و عیدهایی است که پیامبران از سوی خدا به مردم ابلاغ کرده اند. گرچه بررسی شاهکارهای آفرینش از اتم گرفته تا منظومه شمسی حضور ذرات بی نهایت را، برای مومنان و عالمان راستین مشهود می سازد ولی تحقق عینی توان الهی تجدید آفرینش و زنده شدن مردگان را ایجاب می نماید. خوشبختانه این حقیقت درآیاتی بیان شده است. آیه مبارکه 16 سوره غافر می فرماید روزی که مردم همان گونه که هستند ظاهر می شوند و چیزی از آنان بر خدا پوشیده نیست و خطاب می رسد امروز حکومت از آن کیست؟ در برابر این پرسش همه خاموشند ناگهان صدایی بلند می شود؛ ملک و قدرت برای خدای یکتای قهار است.